

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَأَمَّنَ بِعَصْرِكَ

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۵۷۰

قرآن پژوهی ۸۰

اعتبارسنجی حدیث ۲

نشر معارف اهل بیت علیهم السلام ۴۴

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

بهاء

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

سرخه‌ای، احسان، ۱۳۴۴

حدیث و اعتبار کتاب محور: نمونه پژوهی: روایات تفسیری جابر جعفی و عبدالرحمن بن کثیر/ احسان سرخه‌ای؛ [برای] پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام، ۱۴۰۰.

۳۴۸ ص.

۶۲۵۰۰ تومان

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۷۰. قرآن پژوهی؛ ۸۰. اعتبارسنجی

حدیث؛ ۲. نشر معارف اهل بیت علیهم السلام؛ ۴۴.

۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۳۵۷-۲

فیبا

کتابنامه: ص. [۳۲۹] - ۳۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه

نمونه پژوهی: روایات تفسیری جابر جعفی و عبدالرحمن بن کثیر.

جابر بن یزید، - ۱۲۸ ق.

عبدالرحمن بن کثیر

حدیث -- نقد و تفسیر Hadith - Criticism, interpretation, etc.

احادیث صحیح *Hadiths, Authentic

احادیث شیعه -- قرن ۲ ق. Hadith (Shiites) - Texts - 8th century

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام.

BP۱۰۹

۲۹۷/۲۶۷

۸۵۶۸۶۵۲



حدیث و اعتبار کتاب محور

نمونه پژوهشی: روایات تفسیری جابر جعفی و عبدالرحمن بن کثیر

احسان سرخه‌ای

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛

پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام

زمستان ۱۴۰۰



حدیث و اعتبار کتاب محور نمونه پژوهی: روایات تفسیری جابر جعفی و عبدالرحمن بن کثیر

احسان سرخه‌ای
(عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نشر معارف
اهل بیت الطاهرین علیهم‌السلام / چاپ: قم - سبحان /
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰ش / لیتوگرافی: سعیدی /
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است.

مراکز پخش

۱. قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان
علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۰۰،
انتشارات: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۰۰، نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰

۲. تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴،
تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴، www.rihu.ac.ir، info@rihu.ac.ir،
فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

۳. قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف،
پلاک ۱۱، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۴۴۳

www.maaref.org

فروشگاه اینترنتی: <https://ketabema.com>

فهرست

۱۱ سخن ناشران
۱۵ پیش‌گفتار مؤلف
۲۳ درآمد

بخش اول: اعتبارسنجی کتاب محور، مباحث نظری / ۲۹

۳۵ فصل اول: تحمل کتاب، طرق و اسناد
۳۵ ۱. طرق تحمل و انواع آنها
۴۰ ۲. طرق تحمل و عوامل تصحیف
۴۳ ۳. طرق تحمل و محدثان امامیه
۴۵ ۴. طرق تحمل و راهکار تسهیل
۴۷ ۵. طرق تحمل در گذر زمان
۵۴ ۶. طرق تحمل و حاملان کتاب
۵۸ ۷. اجازه بدون سماع و قرائت
۶۲ ۸. اجازه و نگارش فهرس
۶۸ ۹. راویان، طرق و اعتبارسنجی احادیث
۷۵ جمع‌بندی فصل اول
۷۷ فصل دوم: دیدگاه قدما و متأخران در پذیرش خبر

۷۹	۱. صحیح از دیدگاه قدما
۸۰	۱.۱. قرائن اطمینان آور
۸۲	۲.۱. روش ارزیابی آثار
۸۳	۱.۲.۱. بررسی اعتبار
۸۴	۲.۲.۱. ارزیابی پدیدآورندگان
۸۵	۳.۲.۱. جایگاه راویان
۸۸	۴.۲.۱. بررسی اسناد
۹۰	۲. صحیح از دیدگاه متأخران
۹۲	۳. مقایسه روش قدما و متأخران
۹۵	جمع‌بندی فصل دوم

بخش دوم: اعتبارسنجی احادیث تفسیری، نمونه پژوهی / ۹۷

۱۰۳	فصل اول: احادیث تفسیری جابر بن یزید جعفی
۱۰۷	۱. جابردر منابع شیعه
۱۱۳	۲. جابردر منابع اهل سنت
۱۱۹	۳. فراوانی روایات جابر
۱۲۱	۴. گزارش‌هایی از تفسیر جابر
۱۲۴	۵. طرق به تفسیر جابر
۱۲۴	۱.۵. طریق نجاشی
۱۲۸	۲.۵. طریق شیخ طوسی
۱۴۱	۳.۵. طریق ابوغالب زراری
۱۴۲	۶. راویان احادیث تفسیری جابر
۱۴۴	۱.۶. حمید بن شعیب
۱۵۰	۲.۶. مفضل بن صالح
۱۵۳	۱.۲.۶. حسن بن علی بن فضال

- ۱۵۴.....۲.۲.۶ علی بن حکم
- ۱۵۹.....۳.۲.۶ عبدالرحمن بن أبی نجران
- ۱۶۲.....۴.۲.۶ عمرو بن عثمان خزاز
- ۱۶۴.....۵.۲.۶ هارون بن جهم
- ۱۶۵.....۶.۲.۶ احمد بن أبی نصر بنزطی
- ۱۶۸.....۷.۲.۶ عثمان بن عیسی کلابی
- ۱۷۱.....۸.۲.۶ احمد بن صبیح أسدی
- ۱۷۸.....جمع بندی طرق به مفضل بن صالح
- ۱۷۹.....۳.۶ عمرو بن شمر جعفی
- ۱۸۶.....۱.۳.۶ یونس بن عبدالرحمن
- ۱۸۸.....۲.۳.۶ حسن بن محبوب
- ۱۹۱.....۳.۳.۶ احمد بن نضر خزاز جعفی
- ۱۹۲.....الف) ابراهیم بن هاشم
- ۱۹۳.....ب) محمد بن خالد برقی
- ۱۹۳.....ج) محمد بن سالم
- ۱۹۴.....د) علی بن حسین سعدآبادی
- ۱۹۶.....هـ) محمد بن عبدالجبار
- ۱۹۷.....۴.۳.۶ خلف بن حماد أسدی
- ۱۹۸.....۵.۳.۶ محمد بن سکین
- ۲۰۲.....۶.۳.۶ سیف بن عمیرة
- ۲۱۰.....۷.۳.۶ علی بن سیف بن عمیرة
- ۲۱۱.....۸.۳.۶ عبدالله بن حماد أنصاری
- ۲۲۰.....۹.۳.۶ علی بن حماد آزدی
- ۲۲۵.....۱۰.۳.۶ یحیی بن حبیب
- ۲۲۷.....جمع بندی طرق به عمرو بن شمر

٢٢٩	٤.٦. ٤.٦. مُتَخَّل بن جميل أسدى
٢٣٢	١.٤.٦. تفسير منخل بن جميل
٢٣٤	٢.٤.٦. طرق تفسير منخل بن جميل
٢٣٤	(الف) طرق فهارس به تفسير منخل بن جميل
٢٤١	(ب) اسناد تفسير القمي
٢٤٤	(ج) اسناد بصائر الدرجات
٢٤٦	(د) اسناد تفسير فرات الكوفي
٢٤٧	(هـ) اسناد الكافي
٢٥١	(و) اسناد معاني الأخبار
٢٥٢	(ز) اسناد طب الأئمة
٢٥٣	(ح) اسناد الإختصاص
٢٥٥	(ط) اسناد تأويل الآيات
٢٥٦	جمع بندي طرق به منخل بن جميل
٢٦١	فصل دوم: احاديث تفسيری عبدالرحمن بن كثير هاشمی
٢٦٢	١. عبدالرحمن بن كثير در منابع
٢٦٧	٢. طرق به عبدالرحمن بن كثير
٢٦٧	١.٢. طرق فهارس به عبدالرحمن بن كثير
٢٧٠	٢.٢. اسناد تفسير القمي
٢٧٢	٣.٢. اسناد بصائر الدرجات
٢٧٣	٤.٢. اسناد تفسير فرات الكوفي
٢٧٥	٥.٢. اسناد تفسير العياشي
٢٧٦	٦.٢. اسناد الكافي
٢٨٢	٧.٢. اسناد الإمامة والتبصرة
٢٨٢	٨.٢. اسناد الغيبة
٢٨٥	٩.٢. اسناد موجود در آثار شيخ صدوق

۲۹۲ ۱۰.۲ . اسناد جمال الأسبوع
۲۹۳ ۱۱.۲ . اسناد تأویل الآيات
۲۹۶ جمع‌بندی طرق به عبدالرحمن بن كثير
۲۹۷ ۳. علی بن حسان بن كثير هاشمی
۳۰۱ ۱.۳ . علی بن حسان «الهاشمی» یا «الواسطی»
۳۰۹ ۲.۳ . تضعیف علی بن حسان هاشمی
۳۱۲ ۳.۳ . مشایخ علی بن حسان
۳۱۵ ۴.۳ . راویان از علی بن حسان
۳۱۸ جمع‌بندی طرق به علی بن حسان
۳۲۰ نتیجه پژوهش
۳۲۹ فهرست منابع
۳۴۳ نمایه راویان

سخن ناشران

شیعه به حق معتقد است که پیامبر ﷺ و اهل بیت مطهر ایشان ، تنها هدایت‌گران آدمیان به سعادت واقعی و هدف آفرینش هستند و نمی‌توان از دری دیگر به حقایق متعالی دست یافت. ایشان به اصطفای الهی و علم و عصمت خدادادی، سره را از ناسره برای بشر در طول زمان جدا ساخته و او را در مسیر زندگی عقلانی و خداپسندانه سوق داده‌اند. همان بزرگوارانی که با بیان و رفتار خود عقل انسان را از حجاب خارج و در پی آن او را به توحید حقیقی، اخلاق فطری و سعادت جاودانه رهنمون ساختند. بی‌گمان اگر آموزش‌های ایشان نبود، از شریعت و معرفت الهی، چیزی برای مسلمانان باقی نمی‌ماند و کج‌راهه‌ها و بداندیشی‌ها، به اسم دین جایگزین برنامه هدایت آسمانی می‌گشت.

روشن است که این رهنمودها در بیان و رفتار حضرات معصومین ، در همان عصر حضور ایشان به طور مستقیم به همه موالیان ایشان نمی‌رسید. این از آن جهت بود که علاوه بر گستردگی جغرافیایی مکان زندگی شیعیان و عدم امکانات ارتباطی گسترده، شرایط و مقتضیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مانع از آن بود تا تمامی معارف و حقایق به صورت مستقیم و بی‌واسطه برای همگان تبیین شود.

راه کاری که در آن دوران برای انتقال مضامین و علوم مختلف وجود داشت، "نقل شفاهی به صورت سینه به سینه و سلسه‌وار" یا "انتقال نگاهشده‌های مکتوب به شیوه‌های مختلف" بود. این راهکار تا قبل از صنعت چاپ با قدری تغییر در جزئیات، همچنان پابرجا بود. در این دو روش، البته آسیب‌هایی در رسیدن حقیقت و واقعیت وجود داشت؛ آسیب‌هایی همچون، تصحیف، تحریف، جعل و وضع و همچنین عدم فهم دقیق مضمون توسط روایتگران.

اما معصومان  با رهنمودهایشان بر روی روش‌های درست انتقال و فهم حدیث، تأکید

کرده و شیعیان و اصحاب خویش را در دور شدن از افراد و روش‌های آسیب‌زا، هدایت نمودند. با پیروی اصحاب گرانقدر حضرات معصومین علیهم‌السلام از این رهنمودها و تلاش‌های مجدانه آنها بر حفظ حقیقت معارف دین و مذهب، میراث حدیثی شیعه تا اندازه بسیار از این آسیب‌ها در امان مانده و از تحریفات و جعل‌ها زدوده گشته است.

حدیث و میراث حدیثی شیعه، در عمل بستر اصلی انتقال معارف هدایت‌گرانه اهل بیت علیهم‌السلام به دوران‌های پسین است که فارغ از چگونگی فهم عقلانی و عقلایی آن، در ناحیه اطمینان به اصالت و اعتبار آن، با چالش‌های متعددی مواجه بوده است که دانشمندان بزرگ شیعه در طول تاریخ با تلاش بسیاری در صدد حفظ و پالایش این میراث از کاستی‌ها و نادانی‌های یاد شده بوده و در این راه، به شیوه‌ی اطمینان بخشی در دستیابی به حقایق وحی راه یافته‌اند.

با همه این اوصاف و تلاش‌های یاد شده، برای میزان اعتبار روایات نیازمند ملاحظه قراین و روش‌های مختلف در جهات گوناگون هستیم. یکی از شیوه‌های بررسی اعتبار احادیث، بررسی براساس اعتبار کتاب است که از آن گاه به شیوه «فهرستی» و گاه به شیوه اعتبارسنجی «کتاب محور» یاد می‌شود. در این شیوه برخلاف شیوه «رجال محور» سعی می‌شود از قراین مختلف برای بررسی اعتبار یا عدم اعتبار روایات یک کتاب حدیثی بهره برد و تنها به بررسی رجال موجود در سند آن اکتفا نکرد.

این روش اعتبارسنجی با آنکه از گذشته مورد کاربست فقها بوده است اما با توجه به تدوین نوین آن، نیازمند تبیین و تطبیقی همچون نگاشته پیش‌رو می‌باشد. این اثر بر آن است تا با طرح بحث از مبانی نظری چنین رویکردی در شناخت اعتبار حدیث، آن را در دو نمونه از کتب تفسیرروایی در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و سنجش میزان اعتبار روایات برجا مانده از آن دو، به کار بندد. امید است محتوای آن برای طلاب در مقطع سطح سه و چهار به‌ویژه در رشته‌های تخصصی علوم حدیث و شیعه‌شناسی، و نیز دانشجویان رشته‌های قرآن و علوم حدیث، جهت فهم مبانی نظری چنین رویکردی مفید واقع گردد.

اثر پیش‌رو با عنوان «حدیث و اعتبار کتاب محور» به کوشش فاضل محترم حجت الاسلام

والمسلمین احسان سرخه‌ای، در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به ثمر نشسته و با مشارکت پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام، به زیور طبع آراسته شده است.

ضمن تجلیل از عالمان و فقهای بزرگوار شیعه از گذشته تاکنون، تأکید می‌نماییم که این پژوهش آغازی برگزیده علمی در عرصه‌های این چنینی قلمداد می‌شود و امید است که این پژوهش‌ها و نشر آنها مورد قبول درگاه حضرت حق متعال و مورد عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، قرار گیرد و زمینه‌ای برای پژوهش‌های آینده و گفتگوهای علمی در حوزه حدیث پژوهی شیعه، پدید آورد. بی‌گمان ملاحظات یا پیشنهادات خوانندگان فرهیخته می‌تواند گامی در جهت بهسازی فضای گفت‌وگوی علمی در حوزه حدیث‌شناسی باشد و راه گسترش دانش حدیث شیعه را در آینده بیش از پیش فراهم سازد.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان هردو مرکز پژوهشی بر خود لازم می‌دانند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب حجت الاسلام والمسلمین احسان سرخه‌ای و نیز از ارزیابان محترم، آقایان حجت الاسلام والمسلمین رحمان ستایش، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد اسعدی و همچنین زحمات مدیر گروه حدیث پژوهی پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام حجت الاسلام والمسلمین وحید عابد سپاسگزاری کنند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام

پیش‌گفتار مؤلف

از حدیث ثقلین که مهم‌ترین راهبرد و ضامن بقای میراث بزرگ رسول گرامی اسلام ﷺ است درمی‌یابیم که مجموعه معارف و علوم اسلامی را در دو حوزه عمل و نظر، باید از قرآن کریم و عترت طاهرین علیهم‌السلام برگرفت. این حدیث، جایگاه رفیع اهل بیت علیهم‌السلام را در کسب معارف دینی آشکار می‌کند. روشن است که فهم کتاب، تبیین مراد و شرح مصادیق آن از جمله معرفت‌های دینی به شمار می‌رود.

اگرچه تفسیر و فهم قرآن ناشی از بررسی و درک مجموعه‌ای از آموزه‌های لغوی، ادبی، تاریخی، و عقلی و برخی علوم دیگر است؛ اما بی‌تردید آشنایی با گفتار ائمه علیهم‌السلام که مفسران و مبیینان حقیقی قرآن هستند در برقراری ارتباط با مفاهیم قرآنی، اهمیتی بسزا دارد.

روایات که بیانگر قول و فعل و تقریر معصومان علیهم‌السلام و واسطه انتقال میراث گران قدر آنها هستند، نقشی بی‌بدیل در فهم معارف شیعی و بلکه اسلامی دارند. راویان، یکی از دو شیوه نقل شفاهی و مکتوب این میراث را برگزیده‌اند که هر یک لوازم و پیامدهای خود را دارد؛ اما در هر دو شیوه همواره «کشف متن اصیل و معتبر حدیث» و «اطمینان از صدور آن»، عنصری تعیین‌کننده در قبول و رد گزارش به شمار می‌رود. از این رو در گذر تاریخ، مهم‌ترین عامل پذیرش روایات در میان حدیث‌پژوهان، اتصال و پیوستگی روایات با مصدر آنها و استحکام متن احادیث بوده است.

البته عالمان دینی، مؤلفان منابع و جامع‌نگاران حدیث شیعه در هر حوزه از علوم اسلامی، بر اساس معیارهای لازم در همان بخش به بررسی، آسیب‌شناسی و اعتبارسنجی عوامل مؤثر در پذیرش محتوای احادیث در همان حوزه پرداخته‌اند. مفسران بزرگ نیز همواره برای فهم بهتر آیات الهی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام رجوع کرده‌اند؛ دغدغه همیشگی آنها بهره‌مندی از روایات معتبر در حوزه تفسیر بوده است.

به دلیل وجود اخبار صحیح و سقیم در میان مجموعه روایات تفسیری، اصل جریان اعتبارسنجی در میان آنها ضروری و اجتناب ناپذیر است. چه روایات را یگانه منبع تفسیر قرآن - بنا بر قول اخباریان - بدانیم و چه یکی از منابع تفسیر قرآن به شمار آوریم، ارزیابی احادیث اهمیت و جایگاه خود را خواهد داشت. تعداد بسیار روایات تفسیری و قرآنی در جوامع، و تک‌نگاری‌های حدیثی و تفاسیر مآثور از یک سو و نیاز به اعتبارسنجی این روایات از سوی دیگر، ضرورت دستیابی به معیارهای اعتبار احادیث را آشکار می‌کند.

مروری گذرا بر رفتار بهره‌مندان از احادیث موجود در حوزه قرآن نشان می‌دهد که بحث اعتبارسنجی احادیث در جایگاه شایسته و بایسته خود قرار ندارد. بسیاری از کسانی که برای درک مفاهیم و پیام‌های قرآنی سراغ احادیث می‌روند، به شیوه اخباریان، به همه یا بیشتر این روایات با نگاهی آمیخته با پذیرش می‌نگرند و کمتر به بحث و ارزیابی احادیث می‌پردازند.

بررسی عملکرد محدثان بزرگ در پنج قرن نخست در برخورد با متون و منابع حدیثی و روایت احادیث نشان می‌دهد که آنها از اصولی عقلایی برای کسب اطمینان از گزارش‌ها استفاده کرده‌اند. اطمینانی که با جمع‌آوری مجموعه شواهد و قرائن، بر پذیرش گزارش استوار است و در نهایت شخص را به اصالت آن باورمند می‌کند. در این شیوه، وثوق به صدور ملاک پذیرش یا رد حدیث است.

در مقابل این شیوه، اعتبارسنجی روایات بر پایه ارزیابی راویان و ناقلان حدیث قرار دارد که از دیرباز در میان عالمان اهل سنت رواج داشته است و در دوره‌های بعدی تاریخ حدیث شیعه، در میان عالمان امامیه نیز به کار گرفته شد؛ شیوه‌ای که اکنون محور اصلی در سنجش اعتبار احادیث به شمار می‌آید و بر پایه پذیرش روایات از ناقلان ثقة بنیان شده است.

این شیوه ارزیابی احادیث در حال حاضر در سراسر حوزه‌های معرفت‌های دینی به ویژه در حوزه فقه کاربرد دارد و سنگینی سایه برخی اصطلاحات فقهی و اصولی، مانند «تکلیف»، «تعبد»، «تنجیز»، و «حجیت» بر آن، دانش پژوهان بهره‌مند از احادیث را در دیگر رشته‌های اسلامی به تکاپو انداخته است.

رویکرد متقدمان در کسب اطمینان و وثوق به صدور حدیث، بر سیره عقلا و بررسی طریق و محتوا استوار بود. در این رویکرد ارزیابی منابع حدیثی و سنجش اعتبار مؤلفان آنها، نقشی اساسی داشت. درج حدیث در یک اثر آنگاه که از پذیرش مؤلف آن حکایت می‌کرد، نقشی مضاعف در اعتبار حدیث می‌یافت.

نگاهی اجمالی به فهرست‌نامه‌های نگارش‌یافته تا قرن پنجم و آثار گران‌قدر برجای مانده از آنها، نشان از اهتمام قدمای اصحاب به این گرایش در ارزیابی منابع حدیثی دارد. اعتبارسنجی با رویکرد منبع‌محوری در ارزیابی روایات، گاه تا به آن پایه پیش می‌رفت که به جای پذیرش و ردّ یک متن با سنجش راوی آن، متون و تألیفات برجای مانده از یک راوی، معیار ارزیابی وی و دیگر ناقلان آن اثر بود.

از منابع حدیثی با گرایش تفسیر آیات با مسامحه می‌شود به تفسیر مأثور یاد کرد. ذکر این نکته ضروری است که مقصود از احادیث تفسیری در این مجموعه، احادیثی است که در آن به آیه‌ای اشاره شود یا به نحوی ناظر به یک آیه از قرآن باشد. مراجعه به تفاسیر مأثور برجای مانده نیز این برداشت را تقویت می‌کند؛ زیرا احادیث موجود در آنها با همین رویکرد گرد آمده‌اند.

بررسی شیوه نگارش تفاسیر اثری (روایی) برجای مانده همچون تفسیر کنز الدقائق، اثر محمد بن محمد رضا مشهدی (م ۱۱۲۵ق)، تفسیر نور الثقلین اثر حویزی (م ۱۱۱۲ق)، تفسیر البرهان اثر محدث بحرانی (م ۱۱۰۷ق)، تفسیر الصافی اثر فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)، حتی تفاسیر غیر حدیثی حاوی احادیث تفسیری، مانند تفسیر مجمع البیان اثر امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق) و تفسیر التبیان اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و پیش از اینها تفاسیر اثری مهمی همچون تفسیر فرات الکوفی (م ۳۵۲ق)، تفسیر القمی (م قرن ۴ق) و تفسیر العیاشی (م ۳۲۰ق) نشان می‌دهد که همگی آنها از منابع حدیثی پیش از خود بهره برده‌اند.^۱

از سوی دیگر منابع حدیثی برجای مانده که به طور پراکنده در بردارنده احادیث تفسیری است نیز با تکیه به منابع حدیثی و تفسیری پیشینیان در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و پس از آن

۱. گزارش تفاسیر اثری برخلاف ترتیب تاریخی، با توجه به این نکته است که نقل از منابع پیشین در منابع متأخر باورپذیرتر به نظر می‌آید؛ بنابراین همین شیوه در منابع متقدم نیز جاری و ساری بوده است.

نوشته شده‌اند. بر اساس اطلاعات موجود هیچ‌یک از آن منابع پیشین در دسترس نیست و نسخه‌ای از آنها برجای نمانده است.

روشن است که برای کشف اعتبار احادیث مندرج در این آثار، باید شناختی در حد امکان از آن منابع ناموجود به دست آورد تا بتوان به داوری این احادیث نشست. این اطلاعات به مجموع کتاب تفسیر، مؤلف اثر، نسخه‌ها و راویان آنها مرتبط است. همچنین میزان اقبال و ادبار صاحب نظران به این آثار نیز اعتبار آنها را نشان می‌دهد.

در پژوهش‌های انجام شده درباره حجیت و اعتبار روایات تفسیری و تفاسیر مأثور، آثار با ارزشی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله نوشته شده‌اند. بخش چشمگیری از این پژوهش‌ها ثابت می‌کنند که گفتار معصومان علیهم‌السلام در تفسیر قرآن سزاوار استناد است؛ اما این آثار معمولاً به چگونگی ارزیابی گزارش‌های منسوب به ائمه علیهم‌السلام و انتساب اخبار به ایشان پرداخته‌اند. برخی نیز به حوزه اعتبارسنجی روایات تفسیری وارد شده‌اند؛ اما به همه عوامل سنجش اعتبار احادیث پرداخته‌اند و فقط به ارزیابی راویان اخبار توجه کرده‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها به تفاسیر مأثور برجای مانده، مؤلفان، درستی انتساب اثر به آنها، تحلیل محتوا و نقل اقوال در این باره اختصاص یافته است. گذشته از اینها در مقالات و تحقیقات مرتبط با احادیث تفسیری، اعتبارسنجی احادیث بر اساس شیوه متأخران با رویکرد تحلیل و ارزیابی اسناد است. در این پژوهش با تمرکز بر صدور روایات تفسیری، اعتبارسنجی به شیوه قدما و با گردآوری شواهد و قرائن و برپایه منابع تفسیری، انجام می‌شود. این شیوه اعتبارسنجی با الهام از آموزه‌های استاد آیت الله سید احمد مددی «حفظه الله»، به شیوه «فهرستی» موسوم و مشهور شده است.^۱ به نظر می‌رسد به دلیل رعایت تمامی جوانب مسئله، می‌شود از این اسلوب به اعتبارسنجی «کتاب محور» تعبیر کرد. شیوه «کتاب محور» بر اهمیت منابع حدیثی، مؤلفان محدث، نسخه‌ها و راویان آنها در قرون نخست تأکید دارد. این همان شیوه‌ای است که در میان قدما رواج داشته

۱. برای آشنایی با دیدگاه‌های استاد، به خوانندگان محترم پیشنهاد می‌شود علاوه بر وبگاه ارائه‌کننده دروس و آثار استاد به نشانی «<http://www.ostadmadadi.ir>»، از کتاب «نگاهی به دریا» اثری با تلاش اندیشمند فرهیخته حجت الاسلام دکتر سید حمیدرضا حسنی و کتاب «بازسازی متون کهن حدیث شیعه» اثر برادر دانشور و پژوهشگر دکتر سید محمد عمادی حائری، بهره‌برند.

است. در برابر، شیوه «رجال محور» قرار دارد که مختار بیشتر متأخران تا عصر حاضر است. در اعتبارسنجی «کتاب محور» برای کشف اعتبار اخبار باید تمامی شواهد و قرائن اعتبارافزا یا اعتبارزدا در کشف صدور خبر بررسی شود که از آن میان، کتاب، یعنی منبعی مکتوب و مسائل پیرامونی آن جایگاهی ویژه دارد و مهم‌ترین شاهد در اعتبارسنجی اخبار به شمار می‌رود.

آثار مکتوب اصحاب ائمه علیهم‌السلام و راویان احادیث در حفظ میراث تفسیری و قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام نقشی بی‌بدیل برعهده دارد؛ به همین دلیل در این پژوهش شیوه ارزیابی تفاسیر حدیثی متقدم به شکل منابع مکتوب، و نقش این شیوه در پذیرش یا رد احادیث مندرج در آنها از سوی قدمای اصحاب بررسی می‌شود.

بحث بر سر این مهم که آیا این منابع مفقود و گزارش‌های برگرفته از آنها چقدر شایسته اعتماد و استناد هستند؟ در زمان ما نتایج بسیاری را در بردارد. یافتن پاسخ این پرسش‌ها که چه نسخه‌هایی از این منابع منتشر شد؟ کدام یک از آنها رواج یافت؟ چه کسانی در نقل و انتقال آنها مؤثر بوده‌اند؟ آیا می‌شود روایت این آثار از طریق راویان ضعیف را دلیل رویگردانی مشایخ از پذیرش و گزارش مجموعه این میراث دانست؟ و پرسش‌هایی از این دست، در ارزیابی این آثار و احادیث مندرج در آنها بسیار مؤثرند.

استفاده از معیارهای متداول در اعتبارسنجی راویان و بررسی سندی روایات، تأثیر شگرفی در اعتبارزدایی و احیاناً اعتباربخشی به بسیاری از روایات حوزه تفسیر دارد. تلاش برای بازگشت به شیوه قدما و بررسی شواهد و قرائن اطمینان‌بخش به روایات تفسیری، رویکرد جدیدی است که احتمالاً سبب تغییر در اعتبار این روایات خواهد شد.

در این پژوهش تلاش بر آن است که به دو پرسش اساسی زیر پاسخ داده شود:

۱. ارزیابی آثار مکتوب حدیثی امامیه به صورت عام و آثار تفسیری و قرآنی به صورت خاص، در اعتبارسنجی احادیث چه جایگاهی داشته است؟

۲. آیا به کارگیری این شیوه در اعتبارسنجی روایات در حال حاضر امکان‌پذیر است؟ چگونه؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نکات زیر را باید فرضیه پژوهش حاضر دانست که در ادامه مباحث، تحلیل و بررسی می‌شوند:

الف) قرائن موجود در تاریخ حدیث شیعه نشان می‌دهد عمومیت یا غلبه با نقل مکتوب میراث حدیثی شیعه بر نقل شفاهی آن است.

ب) در دوره‌های مختلف تاریخ حدیث شیعه بخشی از تألیفات، به احادیث تفسیری اختصاص داشت که در قالب مصادر حدیثی در دوره‌های بعد استفاده شده‌اند.

ج) مبانی قدما و متأخران در ارزیابی احادیث دارای تفاوت‌های بنیادین است.

د) اعتبارسنجی قدما بر پایه منابع مکتوب و با محور قرار گرفتن کتاب بوده است.

بیشتر تفاسیر مأثور به دست محدثان سرشناس و اصحاب ائمه علیهم‌السلام و در قرون دوم تا پنجم به نگارش درآمده‌اند.^۱ بسیاری از این منابع هم‌اکنون در دسترس نیستند؛ اما گزارش‌های درخور توجهی از این آثار در منابع بعدی برجای مانده است که می‌شود آنها را ارزیابی کرد. بر این اساس، بازه زمانی این پژوهش، عصر متقدمان است.

برای پیگیری مباحث مرتبط با این دوره و برای دستیابی به اهداف این پژوهش، بررسی منابع رجال و فهرست‌نامه‌های برجای مانده از اصول و مصنفات محدثان و عالمان شیعه و پی‌جویی آنها در اسناد و طرق احادیث تفسیری، ضروری به نظر می‌رسد. این کار برای استخراج منابعی که در تدوین مجموعه‌های حدیثی با گرایش تفسیری نوشته شده‌اند یا در ضمن جوامع حدیثی خودنمایی می‌کنند، نیازمند مراجعه به متون کهن و پژوهشی گسترده در این منابع است. بر این اساس ردیابی منابع متقدم در منابع متأخر و کشف ارتباط منطقی میان آنها، مستلزم بررسی متون حدیثی و سلسله ناقلان روایات تفسیری است.

در آغاز این پژوهش، بنا بر آن بود که ابتدا مباحث نظری اعتبارسنجی روایات تفسیری بر پایه منابع تفاسیر اثری (روایی) نوشته شده در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام ارائه شود؛ سپس با شناسایی

۱. برای آشنایی با تفاسیر نوشته شده در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، رک: بابایی، تاریخ تفسیر قرآن، ج ۱؛ عقیقی بخشنایی، طبقات مفسران شیعه؛ شهیدی صالحی، تفسیر و تفاسیر شیعه.

این تفاسیر ناموجود، اطلاعات پیرامونی آنها مانند مؤلفان، راویان و نسخه‌های انتقال یافته از آنها به محدثان بعدی گرد آید؛ اما در ادامه و پس از تقریر بحث‌های نظری اعتبارسنجی روایات، تصمیم بر آن شد که با واکاوی دو نمونه از تفاسیر نگارش یافته در آن دوره، امکان به‌کارگیری آن مباحث نظری در این دو تفسیر به محک سنجش درآید و چگونگی استفاده از چنین شیوه‌ای در اعتبارسنجی احادیث تفسیری آشکار شود.

از این رو در بخش نخست، مباحث نظری مرتبط با موضوع این پژوهش، و در بخش دوم بررسی و تحلیل دو نمونه از احادیث تفسیری قدما و گزارش‌های برجای مانده از آنها در منابع حدیثی و امکان کاربری مباحث نظری در آنها خواهد آمد. منظور از قدما نیز محدثان، راویان و گردآورندگان زیسته در پنج قرن نخست هجری است.

بخشی از بحث‌های نظری ارائه شده در این پژوهش حاصل و برگرفته از تلاش‌هایی است که در نگارش رساله سطح چهار نگارنده با نام «اعتبارسنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب (تا قرن پنجم هجری)»، در حوزه علمیه قم انجام شده است.

نگارنده اثر دیگری را با عنوان «روایت کتاب محور احادیث شیعه» در دست چاپ دارد که آن را باید پیش فرض این پژوهش در نظر آورد؛ زیرا در آن با استناد به شواهد و قرائن فراوان، نقل و انتقال مکتوب احادیث در میان شیعیان به اثبات رسیده است.

امید است در این پژوهش پس از بررسی مباحث نظری و تطبیق آن با این نمونه‌ها، بتوان با احیاء شیوه قدما و امکان‌سنجی به‌کارگیری آن در عصر حاضر، مسیری تازه در حوزه حدیث پژوهی شیعه گشود.

در انتها وظیفه دارم راهنمایی‌های ارزیابان محترم این پژوهش آقایان حجت الاسلام و المسلمین رحمان ستایش و حجت الاسلام دکتر محمد اسعدی را ارج نهم که با بیان اشکالات و ارائه پیشنهادها راهگشا بر بنده منت نهادند و اسباب کمال پژوهش را فراهم آوردند.

همچنین از تمامی همکاران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه گروه قرآن پژوهی که فرصت ارائه این پژوهش را برای بنده فراهم آوردند، سپاسگزارم.

با آن که نگارنده در گردآوری شواهد موجود و به کارگیری ابزار لازم در این اعتبارسنجی، همه کوشش خود را به کار بسته است؛ اما بدیهی است که پژوهش انجام شده خالی از اشکال نیست. انتظار می رود این پژوهش گامی نو در مسیر بهره برداری هرچه بیشتر از میراث روایی اهل بیت علیهم السلام به شیوه ای علمی باشد و راهکاری پذیرفتنی فراروی حدیث پژوهان قرار دهد و با تذکرات عالمانه خوانندگان فرهیخته، اتقان بیشتری یابد. از استادان و طلاب و دانش پژوهان تقاضا مندم نظرات اصلاحی خود را از طریق رایانامه e.sorkhei@gmail.com برای اینجانب ارسال فرمایند تا در ویرایش بعدی کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

و ما توفیقی الا بالله

احسان سرخه ای

قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۹

درآمد

از حدیث ثقلین که مهم‌ترین راهبرد و ضامن بقای میراث بزرگ رسول گرامی اسلام ﷺ است درمی‌یابیم که مجموعه معارف و علوم اسلامی را در دو حوزه عمل و نظر، باید از قرآن کریم و عترت طاهرین علیهم‌السلام برگرفت. این حدیث، جایگاه رفیع اهل بیت علیهم‌السلام را در کسب معارف دینی آشکار می‌کند. روشن است که فهم کتاب، تبیین مراد و تشریح مصادیق آن از جمله معرفت‌های دینی به شمار می‌رود.

اگرچه تفسیر و فهم قرآن ناشی از بررسی و درک مجموعه‌ای از آموزه‌های لغوی، ادبی، تاریخی، و عقلی و برخی علوم دیگر است؛ اما بی‌تردید آشنایی با گفتار ائمه علیهم‌السلام که مفسران و مبینان حقیقی قرآن هستند در برقراری ارتباط با مفاهیم قرآنی، اهمیتی بسزا دارد.

روایات که بیانگر قول و فعل و تقریر معصومان علیهم‌السلام و واسطه انتقال میراث گران قدر آنها هستند، نقشی بی‌بدیل در فهم معارف شیعی و بلکه اسلامی دارند. راویان، یکی از دو شیوه نقل شفاهی و مکتوب این میراث را برگزیده‌اند که هر یک ساز و کار خود را دارد؛ اما در هر دو شیوه همواره «کشف متن اصیل و معتبر حدیث» و «اطمینان از صدور آن»، عنصری تعیین کننده در قبول و رد آن به شمار می‌رود. از این رو در گذر تاریخ، مهم‌ترین عامل پذیرش روایات در میان حدیث پژوهان، اتصال و پیوستگی روایات با مصدر آنها و استحکام متن احادیث بوده است؛ البته عالمان دینی، مؤلفان منابع و جامع‌نگاران حدیث شیعه در هر حوزه از علوم اسلامی، بر اساس معیارهای لازم در همان بخش به بررسی، آسیب‌شناسی و اعتبارسنجی عوامل مؤثر در پذیرش محتوای احادیث در همان حوزه پرداخته‌اند.

به دلیل وجود اخبار صحیح و سقیم در میان مجموعه روایات تفسیری، اصل جریان اعتبارسنجی در میان آنها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. مروری گذرا بر رفتار بهره‌مندان از احادیث موجود در حوزه قرآن نشان می‌دهد که بحث اعتبارسنجی احادیث در جایگاه

شایسته و بایسته خود قرار ندارد. بسیاری از کسانی که برای فهم مفاهیم و پیام‌های قرآنی سراغ احادیث می‌روند، به شیوه اخباریان، به همه یا بیشترین روایات با نگاهی آمیخته با پذیرش می‌نگرند و کمتر به بحث و ارزیابی احادیث می‌پردازند.

چه روایات را یگانه منبع تفسیر قرآن - بنا بر قول اخباریان - بدانیم و چه یکی از منابع تفسیر قرآن به شمار آوریم، ارزیابی احادیث اهمیت و جایگاه خود را خواهد داشت. تعداد بسیار روایات تفسیری و قرآنی در جوامع، و تک‌نگاری‌های حدیثی و تفاسیر متأثر از یک سو و نیاز به اعتبارسنجی این روایات از سوی دیگر، ضرورت دستیابی به معیارهای اعتبار احادیث را آشکار می‌کند. بررسی عملکرد محدثان بزرگ در پنج قرن نخست در برخورد با متون و منابع حدیثی و روایت احادیث نشان می‌دهد که آنها از اصولی عقلایی برای کسب اطمینان از گزارش‌ها استفاده کرده‌اند. اطمینانی که با جمع‌آوری مجموعه شواهد و قرائن، بر پذیرش گزارش استوار است و در نهایت شخص را به اصالت آن باورمند می‌کند. در این شیوه، وثوق به صدور ملاک پذیرش یا رد حدیث است.

در مقابل این شیوه، اعتبارسنجی روایات بر پایه ارزیابی راویان و ناقلان حدیث قرار دارد که از دیرباز در میان عالمان اهل سنت رواج داشته است و در دوره‌های بعدی تاریخ حدیث شیعه، در میان عالمان امامیه نیز به کار گرفته شد؛ شیوه‌ای که اکنون محور اصلی در سنجش اعتبار احادیث به شمار می‌آید و بر پایه پذیرش روایات از ناقلان ثقه بنیان شده است.

این شیوه ارزیابی احادیث در حال حاضر در سراسر حوزه‌های معرفت‌های دینی به ویژه در حوزه فقه کاربرد دارد و سنگینی سایه برخی اصطلاحات فقهی و اصولی، مانند «تکلیف»، «تعبد»، «تنجیز»، و «حجیت» بر آن، دانش پژوهان بهره‌مند از احادیث را در دیگر رشته‌های اسلامی به تکاپو انداخته است.

رویکرد متقدمان در کسب اطمینان و وثوق به صدور حدیث، بر سیره عقلا و بررسی طریق و محتوا استوار بود. در این رویکرد ارزیابی منابع حدیثی و سنجش اعتبار مؤلفان آنها، نقشی اساسی داشت. درج حدیث در یک اثر آنگاه که از پذیرش مؤلف آن حکایت می‌کرد، نقشی مضاعف در اعتبار حدیث می‌یافت.

نگاهی اجمالی به فهرست‌نامه‌های نگارش یافته تا قرن پنجم و آثار گران قدر برجای مانده از آنها، نشان از اهتمام قدمای اصحاب به این گرایش در ارزیابی منابع حدیثی دارد. اعتبارسنجی با رویکرد منبع‌محوری در ارزیابی روایات، گاه تا به آن پایه پیش می‌رفت که به جای پذیرش و ردّ یک متن با سنجش راوی آن، متون و تألیفات برجای مانده از یک راوی، معیار ارزیابی وی و دیگر ناقلان آن اثر بود.

بررسی شیوه نگارش تفاسیر اثری (روایی) برجای مانده همچون تفسیر کنز الدقائق، اثر محمد بن محمد رضا مشهدی (م ۱۱۲۵ق)، تفسیر نور الثقلین اثر حویزی (م ۱۱۱۲ق)، تفسیر البرهان اثر محدث بحرانی (م ۱۱۰۷ق)، تفسیر الصافی اثر فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)، حتی تفاسیر غیر حدیثی حاوی احادیث تفسیری، مانند تفسیر مجمع البیان اثر امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق) و تفسیر التبیان اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و پیش از اینها تفاسیر اثری مهمی همچون تفسیر فرات الکوفی (م ۳۵۲ق)، تفسیر القمی (م قرن ۴ق) و تفسیر العیاشی (م ۳۲۰ق) نشان می‌دهد که همگی آنها از منابع حدیثی پیش از خود بهره برده‌اند.

از سوی دیگر منابع حدیثی برجای مانده که به طور پراکنده در بردارنده احادیث تفسیری است نیز با تکیه به منابع حدیثی و تفسیری پیشینیان در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و پس از آن نوشته شده‌اند. براساس اطلاعات موجود هیچ‌یک از آن منابع پیشین در دسترس نیست و نسخه‌ای از آنها برجای نمانده است.

براین اساس روشن است که برای کشف اعتبار احادیث مندرج در این آثار، باید شناختی در حد امکان از آن منابع ناموجود به دست آورد تا بتوان به داوری این احادیث نشست. این اطلاعات به مجموع کتاب تفسیر، مؤلف اثر، نسخه‌ها و راویان آنها مرتبط است. همچنین میزان اقبال و ادبار صاحب نظران به این آثار نیز اعتبار آنها را نشان می‌دهد.

در ابتدای این پژوهش، بنا بر آن بود که تفاسیر مأثور نوشته شده در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، شناسایی و مباحث پیرامونی آنها مانند مؤلفان، راویان و نسخه‌های انتقال یافته از آنها به محدثان بعدی بررسی شود.

بحث بر سر این مهم که آیا این منابع مفقود و گزارش‌های برگرفته از آنها چقدر شایسته

اعتماد و استناد هستند؟ در زمان ما نتایج بسیاری را در بردارد. یافتن پاسخ این پرسش‌ها که چه نسخه‌هایی از این منابع منتشر شد؟ کدام یک از آنها رواج یافت؟ چه کسانی در نقل و انتقال آنها مؤثر بوده‌اند؟ آیا می‌شود روایت این آثار از طریق راویان ضعیف را دلیل رویگردانی مشایخ از پذیرش و گزارش مجموعه این میراث دانست؟ و پرسش‌هایی از این دست، در ارزیابی این آثار و احادیث مندرج در آنها بسیار مؤثرند.

آثار مکتوب اصحاب ائمه علیهم‌السلام و راویان احادیث در حفظ میراث تفسیری و قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام نقشی بی‌بدیل برعهده دارد؛ به همین دلیل در این پژوهش شیوه ارزیابی تفاسیر حدیثی متقدم به شکل منابع مکتوب، و نقش این شیوه در پذیرش یا رد احادیث مندرج در آنها از سوی قدمای اصحاب بررسی می‌شود. در بخش نخست، مباحث نظری مرتبط با موضوع این پژوهش، و در بخش دوم بررسی و تحلیل دو نمونه از احادیث تفسیری قدما خواهد آمد. منظور از قدما نیز محدثان، راویان و گردآورندگان زیسته در پنج قرن نخست هجری است.

استفاده از معیارهای متداول در اعتبارسنجی راویان و بررسی سندی روایات، تأثیرشگرفی در اعتبارزدایی و احیاناً اعتباربخشی به بسیاری از روایات حوزه تفسیر دارد. تلاش برای بازگشت به شیوه قدما و بررسی شواهد و قرائن اطمینان‌بخش به روایات تفسیری، رویکرد جدیدی است که احتمالاً سبب تغییر در اعتبار این روایات خواهد شد.

در این پژوهش تلاش بر آن است که به دو پرسش اساسی زیرپاسخ داده شود:

۱. ارزیابی آثار مکتوب حدیثی امامیه به صورت عام و آثار تفسیری و قرآنی به صورت

خاص، در اعتبارسنجی احادیث چه جایگاهی داشته است؟

۲. آیا به کارگیری این شیوه در اعتبارسنجی روایات در حال حاضر امکان‌پذیر است؟ چگونه؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نکات زیر را باید فرضیه پژوهش حاضر دانست که در ادامه

مباحث، تحلیل و بررسی می‌شوند:

الف) قرائن موجود در تاریخ حدیث شیعه نشان می‌دهد عمومیت یا غلبه با نقل مکتوب

میراث حدیثی شیعه بر نقل شفاهی آن است.

ب) در دوره‌های مختلف تاریخ حدیث شیعه بخشی از تألیفات، به احادیث تفسیری

اختصاص دارد که در قالب مصادر حدیثی در دوره‌های بعد استفاده شده‌اند.
 (ج) مبانی قدما و متأخران در ارزیابی احادیث دارای تفاوت‌های بنیادین است.
 (د) اعتبارسنجی قدما بر پایه منابع مکتوب و با محور قرار گرفتن کتاب بوده است.
 از منابع حدیثی با گرایش تفسیر آیات با مسامحه می‌شود به تفسیر مأثور یاد کرد. ذکر این نکته ضروری است که مقصود از احادیث تفسیری در این مجموعه، احادیثی است که در آن به آیه‌ای اشاره شود یا به نحوی ناظر به یک آیه از قرآن باشد. مراجعه به تفاسیر مأثور این برداشت را تقویت می‌کند؛ زیرا احادیث موجود در تفسیر العیاشی، تفسیر القمی، تفسیر فرات الکوفی، تفسیر البرهان و تفسیر نور الثقلین با همین رویکرد گرد آمده‌اند.

بیشتر تفاسیر مأثور به دست محدثان سرشناس و اصحاب ائمه علیهم‌السلام و در قرون دوم تا پنجم به نگارش درآمده‌اند. بسیاری از این منابع هم‌اکنون در دسترس نیستند؛ اما گزارش‌های درخور توجهی از این آثار در منابع بعدی برجای مانده است که می‌شود آنها را ارزیابی کرد. برای این اساس، بازه زمانی این پژوهش، عصر متقدمان است. برای پیگیری مباحث مرتبط با این دوره باید به منابع فهرست و کتاب‌شناسی و رجال برجای مانده از آن عصر مراجعه کرد. در مباحث کلی حجیت روایات تفسیری و جریان‌های تفسیر مأثور، آثار با ارزشی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله نوشته شده‌اند. بخش چشمگیری از این پژوهش‌ها ثابت می‌کنند که گفتار معصومان علیهم‌السلام در تفسیر قرآن سزاوار استناد است؛ اما این آثار به چگونگی ارزیابی گزارش‌های منسوب به ائمه علیهم‌السلام و انتساب اخبار به ایشان نپرداخته‌اند. برخی نیز به حوزه اعتبارسنجی روایات تفسیری وارد شده‌اند؛ اما به همه عوامل سنجش اعتبار احادیث نپرداخته‌اند و فقط به ارزیابی راویان اخبار توجه کرده‌اند. همچنین این پژوهش‌ها تفاسیر مأثور برجای مانده، مؤلفان، درستی انتساب اثر به آنها، تحلیل محتوای این تفاسیر و نقل اقوال در این باره را بررسی کرده‌اند.

گذشته از اینها در مقالات و تحقیقات مرتبط با احادیث تفسیری، اعتبارسنجی احادیث بر اساس شیوه متأخران با رویکرد تحلیل و ارزیابی اسناد است. در این پژوهش با تمرکز بر صدور روایات تفسیری، اعتبارسنجی به شیوه قدما و با گردآوری شواهد و قرائن و برپایه منابع

تفسیری، انجام می‌شود. همچنین در ادامه این پژوهش دو نمونه از مجموعه احادیث تفسیری و گزارش‌های برجای مانده از آنها در منابع حدیثی بررسی می‌شوند.

این شیوه اعتبارسنجی با الهام از آموزه‌های استاد آیت الله سید احمد مددی «حفظه الله»، به شیوه «فهرستی» موسوم و مشهور شده است. به نظر می‌رسد به دلیل رعایت تمامی جوانب مسئله، می‌شود از این اسلوب به اعتبارسنجی «کتاب محور» تعبیر کرد. شیوه «کتاب محور» بر اهمیت منابع حدیثی، مؤلفانِ محدث، نسخ و راویان آنها در قرون نخست تأکید دارد و در برابر شیوه «رجال محور» قرار دارد که مختار بیشتر متأخران تا عصر حاضر است.

در اعتبارسنجی «کتاب محور» تمامی شواهد و قرائن اعتبارافزا یا اعتبارزدا در کشف صدور خبر بررسی خواهد شد. در این میان، کتاب، یعنی منبعی مکتوب و مسائل پیرامونی آن جایگاهی ویژه دارد و مهم‌ترین شاهد در اعتبارسنجی اخبار به شمار می‌رود. این همان شیوه‌ای است که در میان قدما رواج داشته است.

برای دستیابی به اهداف این پژوهش، بررسی فهرست‌نامه‌های برجای مانده از اصول و مصنفات محدثان و عالمان شیعه و پی‌جویی آنها در اسناد و طرق احادیث تفسیری، ضروری به نظر می‌رسد.^۱ این کار برای استخراج منابعی که در تدوین مجموعه‌های حدیثی با گرایش تفسیری نوشته شده‌اند یا در ضمن جوامع حدیثی خودنمایی می‌کنند، نیازمند مراجعه به متون کهن و پژوهشی گسترده در این منابع است. بر این اساس ردیابی منابع متقدم در منابع متأخر و کشف ارتباط منطقی میان آنها، مستلزم بررسی متون حدیثی و سلسله ناقلان روایات تفسیری است. با آنکه نگارنده در گردآوری شواهد موجود و به کارگیری ابزار لازم در این اعتبارسنجی، همه کوشش خود را به کار بسته است؛ بدیهی است که پژوهش انجام شده خالی از اشکال نیست.

انتظار می‌رود این پژوهش گامی نو در مسیر بهره‌برداری هرچه بیشتر از میراث روایی اهل بیت علیهم‌السلام به شیوه‌ای علمی باشد و راهکاری پذیرفتنی فراروی حدیث پژوهان قرار دهد و با تذکرات عالمانه خوانندگان فرهیخته، اتقان بیشتری یابد.

۱. برای آشنایی با تفاسیر نوشته شده در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، رک: بابایی، تاریخ تفسیر قرآن، ج ۱؛ عقیقی بخشنایبی، طبقات مفسران شیعه؛ شهیدی صالحی، تفسیر و تفاسیر شیعه.

بخش اول

اعتبارسنجی کتاب محور، مباحث نظری

این بخش از نگاهش به بررسی شیوه‌های تحمل کتاب و نقش طرق و اسناد در شناخت آن و نیز گونه‌های مختلف اعتبارسنجی در میان علماء شیعه می‌پردازد و با مقایسه شیوه قدمات و متأخران در ارزیابی اعتبار حدیث، شیوه صحیح تبیین می‌گردد.

فصل اول: تحمل کتاب، طرق و اسناد

فصل دوم: دیدگاه قدمات و متأخران در پذیرش خبر

